

The peace conditions from Imam Ali's viewpoint

Mohammad Salem Mohseni*

Abstract

Peace brings security to society, calmness to the people, comfort to the army and prosperity to the cities. But these effects will come at a time when the regulations and conditions of peace are being observed. Some of the most important conditions of peace are reflected in Imam Ali's speech, especially in the Malik Ashtar Treaty. The purpose of this investigation is to study and explain these conditions from the of Imam Ali viewpoint. The findings of the investigation show that peace is inherently desirable from the viewpoint of that Imam, but provided that it has been pleasing to God and the dignity and authority of the Islamic society is preserve in it. On the other hand, the Imam mentions several points as conditions of peace, which are: awareness of the enemy's conspiracies and beware of it; Futurism and foresight and lack of suspicion to the enemy; Transparency and clarity of the peace treaty and its non- Interpretability; And ultimately adherence to peace treaties and avoiding any deception or violation of contract. In this investigation, descriptive-analytical method has been used.

Keywords: Peace, Imam Ali, Peace Treaties, Peace conditions.

* P.H.D of Islamic Philosophy and Lecturer of Al-Mustafa international University, Qom, Iran,
safidabb@gmail.com



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شرایط صلح از دیدگاه امام علی (ع)

محمد سالم محسنی*

چکیده

صلح موجب امنیت جامعه، آرامش مردم، آسایش لشکریان و آبادانی شهرها است؛ اما این آثار زمانی بر آن مترتب خواهد بود که شرایط و مقررات صلح رعایت شود. در این تحقیق تلاش شده است تا شرایط و الزامات صلح از دیدگاه امام علی مورد بحث قرار گیرد. پرسش پژوهش این است که شرایط و الزامات صلح از دیدگاه امام علی چیست؟ پاسخ به این پرسش در سخنان امام علی به‌خصوص عهدنامه مالک اشتر مورد بررسی قرار گرفته و دیدگاه آن حضرت استنباط شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که صلح از نگاه او ذاتاً امر مطلوب است، اما مشروط بر این که مورد رضای خداوند بوده و عزت و اقتدار جامعه اسلامی در آن حفظ شود. امام نکات متعددی را به عنوان شرایط و الزامات صلح یادآور می‌شود که عبارتند از: هوشیاری نسبت به توطئه‌های دشمن و پیامدهای احتمالی آن؛ آینده‌نگری و دوراندیشی و عدم حسن ظن به دشمن؛ شفافیت و روشن بودن پیمان صلح و عدم تأویل‌پذیری آن و درنهایت پایبندی به معاهدات صلح و پرهیز از هرگونه فریب‌کاری و پیمان‌شکنی. رعایت مجموع این شرایط و الزامات به صلح پُردرُرد می‌انجامد که تأمین‌کننده منافع دو طرف مخاصمه است.

کلیدواژه‌ها: صلح، امام علی، معاهدات صلح، شرایط صلح.

۱. مقدمه

حضرت علی بر مبنای آموزه‌های اسلامی همواره بر صلح و امنیت تأکید ورزیده و راهبرد او در طول سی سال امامت و پنج سال دوره خلافتش، صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز بوده است. حتی اگر در شرایطی که گرفتار جنگ‌های ناخواسته شده، باز هم جنگ را برای

* دکترای فلسفه اسلامی، مدرس جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران، ms.muhseni@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۳۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۶

صلح و برقراری امنیت تعقیب کرده است؛ چنان‌که در خطبه ۱۳۱ نهج البلاغه می‌گوید: «خدایا تو می‌دانی جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و ثروت نبود، بلکه برای بازگردان نشانه‌های دین و برقراری صلح و مسالمت در شهرهای تو بود تا مردم در امنیت زندگی کرده و قوانین تعطیل شده‌ای تو بازگردد» و یا در خطبه ۲۰۶ به یارانش توصیه می‌کند به جای سب دشمنان برای آن‌ها این‌گونه دعا کند که: «خدایا خون ما و خون آنان را حفظ کن و بین ما و آنان اصلاح فرما و آنان را از گمراهی به راه راست هدایت کن».

امام علی در عهدنامه مالک اشتر که منشور حکومتی آن حضرت تلقی می‌شود، به فرمان‌دارش دستور می‌دهد که: «هرگاه صلحی از طرف دشمن پیشنهاد شود و رضای خداوند در آن باشد، آن را رد نکن؛ چون صلح موجب آسایش سربازان، آرامش مردم و آبادانی شهرها است». اما حضرت در آنجا شرایط و چگونگی صلح با دشمن را نیز با دقت بیان کرده که بررسی آن می‌تواند نکاتی ارزشمندی را برای ما بازگو کند. بهره‌گیری از راهبرد امام علی و توصیه‌های مدبرانه آن حضرت در چگونگی شرایط صلح در عصر حاضر که جامعه بشری به‌خصوص کشورهای اسلامی بیش از همه وقت به صلح و مسالمت نیاز دارد، راهگشا بوده و نکته‌های کاربردی که آن حضرت درباره شرایط و الزامات معاهدات صلح بیان کرده، ضرورت و اهمیت تحقیق را نشان می‌دهد.

بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال بررسی این مسأله است که از دیدگاه امام علی هنگام عقد معاهده صلح و بعد از آن چه شروط و الزاماتی باید رعایت گردد تا هم عزت و اقتدار جامعه اسلامی حفظ شود و هم جنگ و خصومت پایان یافته و صلح و امنیت برقرار گردد. پژوهش حاضر از نوع تحقیق بنیادی به شمار می‌رود؛ چون به دنبال کشف و استنباط شرایط صلح از سخنان امام علی و تبیین آن است. در این تحقیق از روش کیفی با رویکرد توصیفی - تحلیلی استفاده شده و در گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای کار گرفته شده است.

از نظر پیشینه، پژوهش حاضر تلاش نو محسوب می‌شود چون درباره شرایط و الزامات صلح از دیدگاه امام علی تحقیق مستقلی صورت نگرفته است تنها مطالبی در شروح نهج البلاغه و کتاب‌های مرتبط با آن ذیل کلمات امام علی مطرح شده است. بنابراین، بررسی و تحلیل دیدگاه آن حضرت در این مسأله، از نوآوری برخوردار است.

۲. مفهوم‌شناسی صلح

صلح در لغت به معنای سازش، آشتی، مسالمت، مصالحه بین افراد قوم، از بین بردن نفرت بین مردم استعمال شده است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۱۱۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۵۱۶-۵۱۷؛ فیومی، بی تا: ج ۲، ص ۳۴۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۴۸۹). واژه صلح از صلاح مقابل طلاح و فساد است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۱۱۷؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۵۵۹؛ جوهری، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۳۸۳) و در قرآن کریم هم در مقابل فساد (اعراف: ۵۶) و هم در مقابل سیئه (توبه: ۱۰۲) به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۴۸۹). بنابراین صلح در مورد رأی و عملی استفاده می‌شود که خالی از فساد، نقص، بدی و زشتی باشد (مصطفوی، ۱۴۰۲: ج ۶، ص ۲۶۵-۲۶۶).

اما صلح در اصطلاح دو معنا و کاربرد دارد:

۱. صلح در حقوق خصوصی: اصطلاح صلح در اینجا، در روابط افراد با یکدیگر به کار می‌رود و به معنای پایان دادن به اختلاف و نزاع بین دو یا چند نفر است که بر اساس قرارداد میان آنان توافق صورت گرفته و اختلاف حل و فصل می‌گردد. در کتب روایی یک باب به این نوع صلح اختصاص یافته است (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۰، ص ۳۶۳؛ صدوق، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۳۲؛ طوسی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۲۰۶). فقها نیز آن را ذیل عنوان «کتاب الصلح» مطرح کرده و به عقدی تعریف نموده‌اند که برای رفع اختلاف بین دو طرف منازعه، تشریح شده است (محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۹۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۴: ج ۱۶، ص ۵). البته از دیدگاه برخی فقها وجود نزاع و اختلاف در تحقق صلح ضرورت ندارد، بلکه بدون سابقه نزاع نیز صلح بر عین و منفعت ممکن است (شهیدثانی، ۱۴۱۳: ج ۴، ص ۲۵۹؛ حائری طباطبائی، ۱۴۱۸: ج ۹، ص ۳۰۹).

۲. صلح در حقوق بین الملل و علوم سیاسی: در کاربرد دوم، صلح به معنای امنیت و عدم جنگ یا پایان دادن به جنگ و خصومت است. در عرف سیاسی و بین المللی صلح به حالت آرامش و امنیت عمومی در کشور و روابط عادی با کشورهای دیگر و حالت عدم جنگ و مخاصمه به کار می‌رود و یا به پایان دادن جنگ و درگیری بین کشورهای که در حال جنگ هستند با امضای پیمان صلح، اطلاق می‌شود (آقابخشی، ۱۳۸۹: ص ۴۹۷؛ طلوعی، ۱۳۸۵: ص ۶۶۵).

صلح به این معنا در کتب روایی ذیل کتاب جهاد مطرح شده است (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۹، ص ۴۱۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۵، ص ۶۶؛ نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۱، ص ۴۳). فقها نیز آن را در

ذیل کتاب جهاد آورده و در برابر کفار با عناوین آمان، هُدنه و مُهادنه بحث کرده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۱، ص ۳۰۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۴: ج ۹، ص ۸۵؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۲۱، ص ۲۹۱-۲۹۲).

آنچه از صلح در این تحقیق قصد می‌شود، اصطلاح دوم آن است.

۳. شرایط صلح

امام علی که همواره به صلح و مسالمت توصیه می‌کند شرایط صلح را نیز بیان کرده است. آن حضرت در جاهای مختلف به خصوص در عهدنامه مالک اشتر شرایط پذیرش صلح، چگونگی پیمان صلح و ضرورت پایبندی به آن را یادآور می‌شود. آنچه از سخنان امام علی به دست می‌آید این است که اولاً باید برای صلح تلاش کرد و درخواست صلح را پذیرفت اما صلح عزت‌مندانه‌ای که رضایت خداوند را در پی داشته باشد؛ ثانیاً در صورتی صلح باید هوشیار بوده و با دوراندیشی از حسن ظن به دشمن پرهیز نمود؛ ثالثاً به پیمان صلح باید به صورت جدی پایبند بوده و از نقض عهد اجتناب ورزید؛ رابعاً پیمان صلح باید روشن و شفاف بوده و قابل تأویل و تحویل نباشد.

در اینجا آنچه به عنوان شرایط صلح در سخنان حضرت علی اشاره شده است مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱.۳ در نظر گرفتن رضای خداوند

اولین شرط صلح با دشمن از منظر امام علی این است که مورد رضایت خداوند باشد، چنان‌که حضرت می‌فرماید: «وَلَا تَدْفَعَنَّ صَلْحاً دَعَاكَ إِلَيْهِ عَدُوُّكَ وَ لَلَّهِ فِيهِ رِضًا فَإِنَّ فِي الصُّلْحِ دَعَةً لِحُجُودِكَ وَ رَاحَةً مِنْ هُمُومِكَ وَ أَمْنًا لِبِلَادِكَ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). صلحی را که دشمن پیشنهاد می‌کند اگر رضای خداوند در آن باشد، رد مکن؛ چون آسایش لشکریانت، آرامش خودت و امنیت کشورت در صلح تأمین می‌شود.

منظور از رضایت خداوند در اینجا آن است که صلح بر محور حق و عدالت صورت بگیرد تا بتواند مصلحت مردم و امنیت و آزادی آنان را تأمین کرده و از حقوق آنان محافظت کند (مغنیه، ۱۴۰۰: ج ۴، ص ۱۱۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ج ۱۱، ص ۱۰۹). به‌طور مثال می‌توان به صلح حدیبیه و صفین اشاره کرد. در صلح حدیبیه رضای خداوند و رسول

او بود، اگرچه بعضی تندروان به مخالفت پرداختند و در صلح صفین رضای خدا و ولی او نبود اگرچه بعضی به آن اصرار کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ج ۱۱، ص ۱۰۹-۱۱۰).
صلحی که بر مبنای رضایت خداوند شکل می‌گیرد، امتیازات و منافع بزرگی را برای جامعه در پی دارد. حضرت علی در اینجا به سه مزیت و پیامد آن اشاره می‌کند:

۱. آسایش سربازان: لکشریان و سربازان در شرایط جنگی خسته و فرسوده می‌شوند؛ اما صلح سبب می‌شود تا آنها آسایش یافته و تجدید قوا کنند و آمادگی بیشتری برای دفاع داشته باشند؛

۲. آرامش مردم: جنگ برای مردم خسته کننده بوده و خسارت جانی و مالی را در پی دارد؛ اما صلح موجب می‌شود تا آنان در سایه امنیت زندگی کرده و با آرامش به کار و فعالیت بپردازند؛

۳. امنیت شهرها: در سر زمین‌های که میدان جنگ قرار می‌گیرد، نا امنی مانع توسعه علمی، فرهنگی و اقتصادی شده و خسارات زیادی را برای شهرها و بلاد ایجاد می‌کند؛ اما صلح می‌تواند زمینه بازسازی و آبادانی شهرها را فراهم سازد تا مردم در سایه امنیت به پیشرفت و توسعه دست‌یابد (نهج البلاغه، نامه ۵۳؛ نیز رک: هاشمی خویی، ۱۴۰۰: ج ۲۰، ص ۳۰۲).

بر مبنای این شرط، صلح باید عزت و اقتدار جامعه اسلامی را تأمین کند و موجبات ذلت و ضعف آنان را فراهم نسازد. فروپاشی نظام زندگی اجتماعی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی موجب زوال اقتدار جامعه اسلامی می‌شود. از این رو، صلح به عقلانیت نزدیک‌تر است. اگر صلحی به هر نحو موجب شود که دشمن بر جامعه اسلامی سلطه یافته و مسلمانان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی تضعیف گردد، مورد رضای خداوند نخواهد بود؛ چون بدون تأمین مطالبات بر حق مردم، به رضایت خداوند هم نمی‌توان دست‌یافت.

۲.۳ کارشناسی توطئه‌های احتمالی دشمن

امام علی بعد از رضایت خداوند، یکی از شرایط و الزامات صلح را هوشیاری نسبت به توطئه‌ها و دسیسه‌های دشمن و کارشناسی پیامدهای آن می‌داند: «وَلَكِنَّ الْحَذَرَ كُلَّ الْحَذَرِ مِنْ

عَدُوَّكَ بَعْدَ صَلَاحِهِ فَإِنَّ الْعَدُوَّ رَبِّمَا قَارَبَ لِيَتَغَفَّلَ» (نامه ۵۳) یعنی زنه‌ار از نه‌ار از دشمن خود پس از آشتی کردن؛ زیرا گاهی دشمن نزدیک می‌شود تا غافل گیر کند.

تدبیر امام علی در امور جنگ و صلح بسیار زیرکانه بوده و همه جوانب آن را پیش‌بینی می‌کند؛ از این‌رو، با هشدار تمام به این نکته توجه می‌دهد که ممکن است دشمن از راه خدعه و فریب پیشنهاد صلح داده و پیمان صلح ببندد، اما در پشت صحنه به دنبال توطئه باشد و از فرصت صلح برای تجدید نیرو استفاده کرده و به حمله غافل‌گیرانه متوسل شود. البته احتمال توطئه دشمن نباید موجب بدبینی به اصل صلح شود ولی می‌تواند برای حکومت اسلامی به عنوان یک هشدار تلقی شود که نسبت به پیامدهای احتمالی آن همیشه هوشیار بوده و آمادگی مقابله با توطئه دشمن را داشته باشد.

در قرآن کریم نیز به خدعه دشمن پس از صلح اشاره شده است؛ چنان‌که نخست می‌فرماید: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (انفال: ۶۱) اگر دشمن به صلح و مسالمت تمایل نشان دادند تو هم متمایل شو و صلح را بپذیر و به خدا توکل کن که او شنوای دانا است.

سپس در آیه بعدی به خدعه و فریب دشمن اشاره می‌کند: «وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِبَصْرِهِ وَالْمُؤْمِنِينَ» (انفال: ۶۲) اگر آنان بخواهند خدعه کنند و تو را بفریبند خداوند تو را کافی است، او کسی است که تو را با یاری خود و مؤمنین تأیید کرد.

در اینجا خداوند متعال هم پیامبر را به پذیرش صلح توصیه می‌کند و هم احتمال خدعه و فریب دشمن را یادآور می‌شود، اما به خود پیامبر اجازه خدعه و فریب نمی‌دهد و نسبت به فریب‌کاری دشمنان بعد از دقت و کارشناسی در امور صلح به توکل به خدا سفارش می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۹، ص ۱۱۸).

بنابراین، حضرت علی احتمال توطئه و فریب‌کاری دشمن را یادآوری کرده و هشدار می‌دهد تا در معاهده صلح با دقت و کارشناسی وارد شده و از عواقب احتمالی آن غفلت نشود.

۱.۲.۳ دور اندیشی و عدم حسن ظن به دشمن

افزون بر هوشیاری نسبت به توطئه‌های دشمن، باید از حسن ظن و اعتماد به آنان نیز اجتناب کرد و همواره متوجه دسیسه و فریب‌کاری آنان بود. امام علی به دوراندیشی

توصیه کرده و از اعتماد به دشمن بر حذر می‌دارد. وی می‌فرماید «فَخُذْ بِالْحَزْمِ وَ أَتْهِمْ فِي ذَلِكَ حُسْنَ الظَّنِّ» (نامه ۵۳). یعنی دوراندیشی باید در پیش گرفت و از حسن ظن و اعتماد به دشمن پرهیز کرد.

در اسلام با این‌که اصل بر حسن ظن است اما دشمن نمی‌تواند مورد اعتماد باشد، چون دشمن است نه دوست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ج ۱۱، ص ۱۱۱). بنابراین، صرف تکیه بر پیمان صلح بدون آینده‌نگری و بررسی تهدیدها و خطرات احتمالی، این فرصت را به دشمن می‌دهد که نیروی نظامی خود را تقویت کرده و با تهاجم غافل‌گیرانه دوباره حمله کند و قدرت جامعه اسلامی را درهم بکوبد. از این رو، حضرت علی وقتی به پذیرش صلح توصیه می‌کند، دور اندیشی را نیز مورد توجه قرار می‌دهد و به‌طور صریح می‌گوید صلح را بپذیرید ولی به دشمن حسن ظن نداشته باشید (ابن ابی الحدید، ۱۴۳۰: ج ۱۷، ص ۱۰۷).

حضرت علی با توجه به تجربیاتی که از جنگ دارد به خوبی متوجه تهدیدات احتمالی دشمن بوده و آن را هشدار می‌دهد چنان‌که در جنگ صفین طرف مقابل با خدعه و نیرنگ، مسأله صلح و حکمیت قرآن را مطرح کرده و یک عده از طرفداران امام را فریب دادند. آن‌گاه حضرت هرچه خدعه و فریب‌کاری دشمن را بازگو کرده و هشدار داد، کسی به آن توجه نکرد (ابن میثم، ۱۴۰۴: ج ۵، ص ۱۸۱؛ ابن مزاحم، ۱۴۰۴: ص ۴۷۸-۴۸۹).

بنابراین، با رعایت شرط دوراندیشی و عدم حسن ظن به دشمن است که صلح را به نفع جامعه اسلامی رقم زده و می‌تواند خطرات و تهدیدات دشمن را برطرف سازد و امنیت جامعه اسلامی را تأمین کند.

۳.۳ پایبندی و احترام به معاهدات صلح

اگر دو طرف مخاصمه چه مسلمان و غیر مسلمان با هم صلح کنند، یکی از مهمترین شرایط و الزامات آن، پایبندی و احترام به پیمان صلح است. این شرط، از نوع شرط متأخر است که بعد از عقد معاهده صلح، همه طرف‌های پیمان صلح الزام را می‌کند تا به مفاد آن احترام گذاشته و از نقض آن اجتناب کنند. حضرت علی می‌فرماید: «وَ إِنْ عَقَدْتَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ عَدُوِّكَ عَقْدَةً أَوْ أَلْبَسْتَهُ مِنْكَ ذِمَّةً فَحُطَّ عَهْدُكَ بِالْوَفَاءِ وَ أَرَعَ ذِمَّتَكَ بِالْأَمَانَةِ وَ اجْعَلْ نَفْسَكَ جَنَّةً دُونَ مَا أُعْطِيتَ» (نامه ۵۳) اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد گردید، یا در پناه خود او

را امان دادی، به عهد خویش وفادار باش و بر آنچه بر عهده گرفتی امانت را رعایت کن و جان خود را سپر پیمان خود قرار بده.

امام علی درباره صلح داخلی و پابندی به آن اهمیت قائل شده و تأکید می‌کند؛ چنان‌که به مالک اشتر دستور می‌دهد جان خود را سپر پیمانی که با دشمن بسته‌ای قرار بده. براساس این سخن، صلح خارجی و بین‌المللی به مراتب اهمیت یافته و پابندی به آن مورد حمایت قرار گرفته است. همان‌طوری که آن حضرت در جاهای دیگر وفای به عهد را نشانه‌ی ایمان (آمدی، ۱۴۱۰: ص ۸۲۳) و بهترین امانت (آمدی، ۱۴۱۰: ص ۱۹۴) خوانده و آن را توأم با صدق و راستی می‌داند که سپری محکم‌تر از آن نیست (نهج البلاغه: خطبه ۴۱).

امام علی درباره اهمیت معاهده صلح به افکار عمومی مردم اشاره می‌کند: «فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ شَيْءٌ النَّاسُ أَشَدُّ عَلَيْهِ اجْتِمَاعًا مَعَ تَفَرُّقِ أَهْوَائِهِمْ وَ تَشْتِتِ آرَائِهِمْ مِنْ تَعْظِيمِ الْوَفَاءِ بِالْعُهُودِ» (نامه ۵۳). هیچ فریضه الهی به اندازه لزوم وفای به عهد مورد اجماع نیست؛ چون عموم مردم در عین اختلاف گرایش‌ها و تشتت آرا به رعایت معاهده صلح و وفای به عهد اتفاق نظر دارند. حضرت می‌گوید حتی مشرکان نیز وفای به عهد را الزام‌آور دانسته و از عواقب شوم نقض آن هراس داشتند: «وَ قَدْ لَزِمَ ذَلِكَ الْمُشْرِكُونَ فِيمَا بَيْنَهُمْ دُونَ الْمُسْلِمِينَ لِمَا اسْتَوْبَلُوا مِنْ عَوَاقِبِ الْغَدْرِ» (نامه ۵۳). یعنی مشرکان زمان جاهلیت جدای از مسلمانان آن را مراعات می‌کردند؛ چون عواقب پیمان‌شکنی را دریافته بودند. ابن ابی الحدید می‌گوید لزوم وفای به پیمان صلح برای مشرکان به دلیل اهمیتی که داشت به شریعت و سنت تبدیل شده بود (ابن ابی الحدید، ۱۴۳۰: ج ۹، جزء ۱۷، ص ۷۹).

پابندی به پیمان صلح حتی اگر مشکلات و سختی‌هایی را در پی داشته و هزینه‌هایی را تحمیل کند، باز هم قابل نقض نیست. امام علی می‌گوید:

وَلَا يَدْعُوَنَّكَ ضَيْقُ أَمْرٍ لَزِمَكَ فِيهِ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى طَلَبِ انْفِسَاحِهِ بِغَيْرِ الْحَقِّ فَإِنَّ صَبْرَكَ عَلَى ضَيْقِ أَمْرٍ تَرَجُّوْا انْفِرَاجُهُ وَ فَضْلُ عَاقِبَتِهِ خَيْرٌ مِنْ غَدْرٍ تَخَافُ تَبِعْتَهُ وَ أَنْ تُحِيْطَ بِكَ مِنَ اللَّهِ فِيهِ طَلِبَةٌ لَا تَسْتَقْبِلُ فِيهَا دُنْيَاكَ وَ لَا آخِرَتَكَ (نامه ۵۳).

مبادا مشکلات پیمانی که بر عهده‌ات قرار گرفته و خدا بر گردنت نهاده، تو را به پیمان‌شکنی وا دارد؛ زیرا شکیبایی تو در مشکلات پیمان‌هایی که امید پیروزی در آینده را به همراه دارد بهتر از نقض عهدی است که از کیفر آن می‌ترسی و در دنیا و آخرت نمی‌توانی پاسخ‌گوی آن باشی.

در اسلام نسبت به پایبندی به عهد و پیمان بسیار تأکید شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء: ۳۴) به پیمان وفا کنید که همانا از آن سؤال خواهید شد. امام باقر نسبت به لزوم وفای به عهد چنان با لحن شدید سخن می‌گوید که هیچ تردیدی در پیامدهای سنگین و شوم پیمان‌شکنی باقی نمی‌گذارد:

سه چیز است که خداوند در آن‌ها برای هیچ کسی رخصت و اجازه مخالفت نداده است: نخست ادای امانت نسبت به نیکو کار و بد کار؛ دوم وفای به عهد نسبت به نیکو کار و بد کار؛ سوم نیکی به پدر و مادر اعم از نیکو کار و بد کار (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۳، ص ۴۱۳).

بنابراین تا زمانی که دشمن به شرایط صلح وفادار بماند باید به معاهده صلح احترام گذاشت و از هرگونه نقض و زیرپانهادن آن دوری کرد.

۱.۳.۳ پرهیز از فریب کاری در معاهدات صلح

فریب کاری، خیانت و خدعه صفات بد و ناپسندی‌اند که انسان مؤمن چه با دوست و چه با دشمن باید از آنها اجتناب کند. حضرت علی درباره معاهده صلح هرگونه فریب، خیانت و خدعه با دشمن را نادرست خوانده و از آن باز می‌دارد و آن را گستاخی بر خداوند می‌داند:

فَلَا تَعْدِرَنَّ بِذِمَّتِكَ وَلَا تَخَيْسَنَّ بِعَهْدِكَ وَلَا تَخْتَلَنَّ عِدُّوكَ فَإِنَّهُ لَا يَجْتَرِي عَلَى اللَّهِ إِلَّا جَاهِلٌ شَقِيٌّ وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ عَهْدَهُ وَذِمَّتَهُ أَمْنًا أَفْضَاهُ بَيْنَ الْعِبَادِ بِرَحْمَتِهِ وَحَرِيمًا يَسْكُنُونَ إِلَيْهِ مَنَعَتِهِ وَيَسْتَفِيضُونَ إِلَيْهِ جِوَارِهِ فَلَا إِدْغَالَ وَلَا مُدَالَسَةَ وَلَا خِدَاعَ فِيهِ (نامه ۵۳).

هرگز پیمان‌شکن مباش و در عهد خود خیانت مکن و دشمن را فریب مده؛ زیرا جز نادان بدکار کسی بر خدا گستاخی روا نمی‌دارد. خداوند عهد و پیمانی را که با نام او شکل می‌گیرد با رحمت خود مایه آسایش بندگان و پناهگاه امنی برای پناه‌آورندگان قرار داده است تا همگان به حریم امن آن روی بیاورند. پس فساد، خیانت و فریب در عهد و پیمان راه ندارد.

امام علی چنان بر اهمیت عهد و پیمان تأکید می‌کند که سوگند یاد کرده می‌گوید به خدا قسم اگر غدر و فریب ناپسند نبود، من زیرک‌ترین افراد بودم؛ لکن بدانید که هر فریبی گناه و هر گناهی کفر است و سرانجام موجب دخول انسان در آتش می‌گردد (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۴، ص ۳۹؛ نهج البلاغه: خطبه ۲۰۰).

در این شرط، عهد و پیمان وسیله‌ی امنیت اجتماعی و حریم آرامش مردم و پناگاهی بی‌پناهان معرفی شده است. بنابراین، در پیمان صلح باید از هرگونه فساد، خیانت و فریب اجتناب گردد تا هم امنیت جامعه حفظ شده و اهداف صلح تحقق یابد و هم از جرئت و گستاخی بر خداوند دوری شود.

۴.۳ شفاف و روشن بودن معاهدات صلح

معاهده صلح باید شفاف و روشن بوده و تفسیرهای مختلف را برنتابد. این شرط نیز به طور صریح در کلام امام علی مطرح شده است: «وَلَا تَعْقِدْ عَقْدًا تُجَوِّزُ فِيهِ الْعِلَلَ وَلَا تُعَوِّلَنَّ عَلَيَّ لِحْنٍ قَوْلٍ بَعْدَ التَّكْيِيدِ وَ التَّوْتِيَةِ» (نامه ۵۳). قراردادی را امضا نکن که در عبارات آن جای گفت‌وگو باشد و پس از محکم‌کاری و دقت در قرارداد، به عبارات دو پهلو و قابل توجیه تکیه مکن.

در معاهده صلح باید از الفاظ صریح استفاده شود و از به کاربردن واژه‌های دو پهلو و متشابه پرهیز گردد تا راه بهانه‌جویی برای نقض پیمان صلح و زمینه تفسیرهای مختلف و تأویل‌های نابجا را ببندد و گرنه، بعد از پیمان صلح ممکن است برخی طرف‌ها آن را به نفع خود و بر خلاف آنچه توافق صورت گرفته است تفسیر کنند. از این‌رو، حضرت علی به فرمان‌دارش توصیه می‌کند که باید در پیمان صلح هوشیار بوده و با استفاده از تعبیرات شفاف و روشن، اولاً برای دشمن زمینه سوء استفاده را فراهم نسازد و ثانیاً خود بعد از عقد پیمان با بهانه‌جویی، به تفسیرهایی مختلف که موجب نقض آن می‌شود، اقدام نکند.

بر این اساس، آنچه در فهم و تفسیر معاهدات صلح معتبر است، ظاهر عبارات و کاربرد اصطلاحی و عرفی آن است نه باطن کلمات. از این رو هر کس نباید آن را بر خلاف ظاهر و مطابق خواست خود تأویل کرده و معانی دل‌خواه خود را بر آن تحمیل کند (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۳۰: ج ۹، جزء ۱۷، ص ۷۹).

توجه به شرط شفافیت معاهدات امروزه در قراردادهای بین‌المللی که طرف‌های آن به زبان‌های مختلف سخن می‌گویند، از اهمیت بیشتر برخوردار است؛ چون ممکن است یک طرف با کاربردها و ظرافت‌های زبان طرف مقابل آشنایی کامل نداشته باشد. از این‌رو، زمینه به کاربردن الفاظ و تعبیرات دو پهلو که به صورت‌های مختلف تفسیرپذیر باشد، وجود دارد و اگر یک طرف اهل خدعه و فریب باشد، می‌تواند معاهدات را به گونه‌ای تنظیم نماید که بعد بتواند آن را به نفع خودش تفسیر کند.

۴. پیمان بُرد بُرد

از مجموع سخنان امام علی به دست می‌آید که صلحی عقلانی و عادلانه است که به نفع دو طرف بوده و به تعبیر امروزی، بُرد بُرد باشد نه بُرد و باخت. این مطلب را می‌توان از شرایط و الزاماتی که حضرت برای معاهدات صلح بیان کرده است، استنباط کرد.

اولا امام علی توصیه می‌کند که باید در معاهدات صلح، رضای خداوند را در نظر گرفت (نامه ۵۳). رضای خداوند نیز در رعایت عدالت و حفظ حقوق همه افراد بشر و همه طرف‌های مخاصمه است که به بُرد بُرد منتهی می‌شود. البته ممکن است برخی از طرف‌ها امتیازاتی بیشتر به دست آورد و برخی کمتر؛ اما اگر بر مبنای عدالت و انصاف باشد و مصالح دو طرف در نظر گرفته شود، برای هر دو طرف بُرد محسوب می‌شود.

ثانیا حضرت علی به کاربردن هرگونه فریب و خدعه را در معاهدات صلح ناروا دانسته و از آن برحذر می‌دارد (نامه ۵۳). این مسأله به خوبی نشان می‌دهد که هدف در معاهدات صلح، تأمین مصالح و منافع دو طرف است نه بُرد یک طرف و باخت طرف مقابل. اگر یک طرف بخواهد با خدعه و فریب منافع خود را تأمین سازد، این کار به باخت و زیان طرف مقابل منجر می‌شود، در حالی که خداوند پیمان را مایه آسایش و آرامش بندگان خود قرار داده است.

ثالثا آن حضرت بر پابندی بر پیمان صلح تأکید کرده و نقض آن را موجب کیفر الهی می‌داند (نامه ۵۳). ممنوع بودن نقض پیمان صلح از یک جهت برای حفظ حقوق و رعایت مصالح دو طرف است که به بُرد هر دو می‌انجامد؛ چون اگر یک طرف بخواهد با نقض پیمان به دنبال منافع خود باشد، موجب زیان طرف مقابل و باخت وی می‌شود. اما پیمان شکنی به شدت مذمت شده است؛ بنابراین معاهده صلح حافظ منافع دو طرف است.

رابعا شفافیت و روشن‌بودن معاهدات صلح که در سخنان امام علی مورد تأکید قرار گرفته (نامه ۵۳)، نیز بیان‌گر حفظ منافع و مصالح دو طرف مخاصمه است تا کسی نتواند با استفاده از ابهام متن معاهده، آن را به نفع خود و زیان طرف مقابل تفسیر کند و در نتیجه به بُرد یک طرف و باخت طرف دیگر منتهی گردد.

۵. نتیجه‌گیری

راهبرد امام علی در برابر دشمنان و مخالفان، صلح و مسالمت است. حضرت صلح را موجب آسایش سربازان، آرامش مردم و آبادانی شهرها می‌داند. بنابراین، صلح به نفع حکومت و مردم بوده و موجب توسعه و پیشرفت کشور می‌شود. او حتی جنگ را با این رویکرد توجیه کرده و هدف آن را برقراری صلح و امنیت و احیای احکام الهی می‌داند. اما حضرت علی برای صلح، شرایط و الزاماتی را بیان می‌کند که تنها با رعایت آن‌ها می‌توان به صلح عادلانه دست یافت:

۱. صلح باید مورد رضای خداوند بوده و بر محور حق و عدالت شکل بگیرد تا عزت و اقتدار جامعه اسلامی در پرتو آن حفظ شود و آزادی، امنیت و مصلحت مردم تأمین گردد.
۲. در معاهدات صلح باید با دقت و کارشناسی وارد عمل شد؛ چون گاهی در پیشنهاد صلح از سوی دشمن، احتمال توطئه نیز می‌رود. بنابراین، انسان مؤمن باید هوشیار و سیاست‌مدار بوده و خود را از حيله‌ها و توطئه‌های دشمن حفظ کند.
۳. در پذیرش صلح باید دوراندیش و آینده‌نگر بود و از حسن ظن به دشمن پرهیز کرد؛ چون اصل صلح با این‌که امر مطلوب بوده و به نفع همه است، اما اعتماد کورکورانه به دشمن نیز ساده‌اندیشی است.
۴. در پیمان صلح از فریب‌کاری و خدعه باید پرهیز کرد؛ زیرا اولاً گناهی بزرگ و گستاخی بر خداوند است و ثانياً با اهداف صلح در تعارض بوده و موجب بی‌عدالتی و زیان طرف مقابل می‌شود.
۵. معاهده صلح باید به صورت شفاف و روشن تدوین شود تا تفسیرهای مختلف را برنتابد؛ چون در غیر این صورت، موجب سوء استفاده هر یک از طرف‌های معاهده شده و زمینه نقض آن را فراهم می‌سازد و یا موجب ضرر به یک طرف پیمان می‌شود.
۶. وقتی پیمان صلح مورد توافق قرار می‌گیرد، باید تمام طرف‌ها به آن پایبند بوده و از نقض آن پرهیز کنند؛ زیرا احترام به معاهدات و پیمان‌ها، مصلحت همه طرف‌ها را تأمین می‌کند و خداوند آن را وسیله آرامش بندگان و پناگاهی برای پناهندگان قرار داده است.
۷. از مجموع شرایط و الزاماتی که امام علی برای صلح بیان می‌کند، می‌توان به صلح بُردبُرد دست یافت؛ زیرا در معاهده صلح با در نظر گرفتن رضای خداوند از یک‌سو،

و دوران‌دیشی، کارشناسی، دوری از فریب‌کاری، شفاف بودن پیمان صلح و ضرورت پایبندی به آن از سوی دیگر، به پیمانی می‌رسیم که مصالح دو طرف را تأمین می‌کند و ضرر و زیان را برطرف می‌سازد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

نهج البلاغة، گردآوری: سید رضی، تصحیح: صبحی صالح، تهران: دار الاسوة للطباعة و النشر التابعة لمنظمة الاوقاف و الشؤون الخيرية)، چاپ پنجم، ۱۴۲۵ ه.ق.

ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغة الجامع لخطب و حکم و رسائل الامام امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه السلام، تعلیقه: شیخ حسین اعلمی، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چاپ سوم، ۱۴۳۰ ه.ق.

ابن مزاحم، نصر، وقعة صفین، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قاهره: المؤسسة العربية الحديثة چاپ دوم، ۱۳۸۲، افسست قم: منشورات مكتبة المرعشي النجفي، ۱۴۰۴ ه.ق.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تصحیح: احمد فارس صاحب الجوائب، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ه.ق.

ابن میثم، میثم بن علی، شرح نهج البلاغة، تهران: دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ه.ق.
آقابخشی، علی و افشاری‌راد، مینو، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر چاپار، چاپ سوم، ۱۳۸۹ ه.ش.
آمدی تمیمی، عبد الواحد، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم: دار الکتب الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ه.ق.

جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربية، تصحیح: احمد عبد الغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه.ق.

حائری طباطبائی، سید علی، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل، تحقیق و تصحیح: محمد بهره‌مندی، محسن قدیری و دیگران، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۸ ه.ق.

حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ ه.ق.
راغب اصفهانی، حسین، مفردات ألفاظ القرآن، تصحیح: صفوان عدنان داودی، لبنان - سوریه، دار العلم - الدار الشامیة، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه.ق.

شهیدثانی، زین الدین بن علی، مسالک الأفهام الی تنقیح شرائع الاسلام، تصحیح: گروه پژوهش مؤسسه معارف اسلامی، قم: مؤسسه معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۳ ه.ق.

صاحب بن عباد، اسماعیل، المحيط فی اللغة، تصحیح: محمد حسن آل یاسین، بیروت: عالم کتاب، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه.ق.

- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه.ق.
- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ه.ق.
- طلوعی، محمود، فرهنگ جامع سیاسی، تهران: نشر علم، چاپ سوم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تحقیق: حسن موسوی خراسان، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ه.ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، تصحیح: گروه پژوهش مؤسسه آل‌البتیت، قم: مؤسسه آل‌البتیت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه.ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تصحیح: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ه.ق.
- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: منشورات دار الرضی، چاپ اول، بی‌تا.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۹ ه.ق.
- کلان فریبایی، محمدرضا، (۱۳۹۴)، دلواپسی در تاریخ اسلام، قم: نشر ماندگار.
- محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تصحیح: عبدالحسین محمد علی بقال، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ه.ق.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز کتاب لترجمة و النشر، چاپ اول، ۱۴۰۲ ه.ق.
- مغنیة، محمد جواد، فی ظلال نهج البلاغه، بیروت: دار العلم للملایین، چاپ سوم، ۱۴۰۰ ه.ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ ه.ش.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تصحیح: عباس قوچانی و علی آخوندی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ ه.ق.
- نوری، میرزاحسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۸ ه.ق.
- هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، منهج البراعة فی شرح نهج البلاغه، تصحیح: ابراهیم میانجی، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۰ ه.ق.